



شهراد اثنی عشری  
روزنامه نگار و کارشناس علوم سیاسی

# مواضع و آرایش سیاسی جناح‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری

براساس موضعگیری‌های انجام شده، گروه اول اشخاص سنت‌گرا و طرفدار سنت‌ها هستند، درست برعکس دومین گروه که تجدیدنظر در اصول و ساختار سیاسی کشور جز خط فکری آنها محسوب می‌شود.

گذر از دوران صنعتی و ورود به عرصه اطلاعات که همراه با انقلاب الکترونیکی است، تحولات و تغییرات عمده بسیاری را در سطح جهان ایجاد کرده که به صورت مستقیم و غیرمستقیم فرهنگ و آداب کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده که شکاف بین نسل جدید و قدیم و از دست رفتن هویت فرهنگی و خشکیدن ریشه‌ها از مهم‌ترین پیامدهای آن به حساب می‌آید.

در واقع ظهور محافظه‌کاران پاسخی به این تغییر و تحول و وضعیت پیش آمده است. محافظه‌کاران که سعی در حفظ سنت‌ها دارند، در عین حال پذیرای برخی از تحولات رخ داده جدید هم هستند، اما اگر بخواهند مانند همفکران کلاسیک خود نقش مثبتی در فرایند تحول و تغییر ایفا کنند، باید شیوه‌های گذشته را تغییر دهند و با رویکردی جدید به مسایل سیاسی و اقتصادی نگاه کنند. رقیب

حاضر به رغم آنکه چندین ماه به برگزاری انتخابات وقت داریم، چهره بسیاری از داوطلبان ورود به عرصه رقابت مشخص شده و حتی چند نفر از آنها به طور غیرمستقیم و غیرعلنی ستادهای انتخاباتی خود را تشکیل داده و مشغول ارزیابی افکار عمومی هستند.

آنچه که در این میان مهم به نظر می‌رسد و تعیین کننده عرصه رقابت خواهد بود، چگونگی چینش نیروها یا آرایش سیاسی جدید احزاب، گروه‌ها و جناح‌های کشور است. در واقع مشخص شدن طیف‌های سیاسی و ویژگی‌های آنها و آگاهی از برنامه‌ها و سیاست‌های در نظر گرفته شده،

نقش بسیار تعیین کننده‌ای در انتخاب رئیس جمهوری آینده دارد.

طیف‌های سیاسی در حال حاضر به دو گروه محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان تقسیم شده‌اند.



یکی از ویژگی‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، اهمیت فوق‌العاده آن و طرح زود هنگام همراه با موضع‌گیری احزاب و طیف‌های مختلف سیاسی به ویژه در محافل مطبوعاتی است. در حال

محافظه کاران هم به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی راهی جز اتخاذ شیوه‌های علمی جدید برای برقراری ارتباط ارگانیک با گروه‌های اجتماعی برای حمایت از استمرار اصلاحات ندارد.

به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، محافظه کاران، واپس‌گرا و گذشته‌نگر هستند و با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید دنیا همراه نیستند. آنها از موضع قدرت همیشه خواهان حفظ وضع موجود هستند و با هر نوع نگرش جدید که ساختار سنتی جامعه را دستخوش تحول کند، مخالفند. این طیف در بعد اقتصادی نیز بخش عظیمی از تولید ناخالص ملی کشور را در دست دارد که توسط نهادها و سازمان‌های اقتصادی قدرتمند اعمال می‌شود.

محافظه کاران در عین حال مانند سایر گروه‌ها به دلیل تفاوت در نگرش به دو گروه معتدل یا فردگرا و تندرو یا خردگریز تقسیم می‌شوند. گروه اول تاکنون مشکل خاصی را بر کشور و نظام تحمیل نکرده، اما گروه دوم که شامل افراد تندرو و خردگریز است، با موضعگیری‌ها و اقدامات افراطی خود تاکنون هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل کرده است. حضور برخی از این چهره‌ها در بدنه مدیریتی کشور تاکنون لطمه‌ها و زیان‌های قابل ملاحظه‌ای را در سیاست داخلی و خارجی کشور موجب شده است.

### محمد رضا خاتمی: ما بهترین راه سعادت کشور را ادامه اصلاحات تا تحقق کامل دموکراسی می‌دانیم

به گونه‌ای که بارها صحنه سیاسی جامعه متأثر از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده این افراد بوده و مجال تفکر و برنامه‌ریزی اصولی و صحیح را از مسوولان گرفته است.

با این وجود همگام با تحولات جدید، برخی از تشکل‌های این طیف که انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان داده، با تغییر در رفتار و نگرش خود به آرامی از سنت‌گرایان سلف خود پیشی گرفته و با

تشکیل 'جبهه آبادگران' می‌روند تا به تدریج عرصه تصمیم‌گیری را از دست چهره‌های تندرو خارج کرده و فضای معتدل‌تری را در عرصه سیاسی کشور به وجود بیاورند. اینک با توجه به عملکرد و ویژگی‌های

انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن نفت داشته باشد. ایراهیم یزدی فعال سیاسی و وزیر خارجه دولت موقت در این باره می‌گوید: "آنچه امروز به عنوان جریان سیاسی اصلاح طلب شناخته می‌شود، بخشی از آن



بعد از انقلاب و استعفای دولت موقت آغاز شد که نماد آن فعالیت‌های محدود نهضت آزادی است. بعد از انقلاب این نهضت ضمن تأکید بر مواضع فکری و سیاسی خود، سیاست راهبردی همراه با تغییرات تدریجی و مسالمت‌آمیز در ساختارهای حقیقی و نه حقوقی را اتخاذ کرد."

اما آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که اوایل انقلاب امام (ره) با دخالت‌ها و رهنمودهای لازم خود تعادل را بین این دو طیف سیاسی که امروز چپ و راست نامیده می‌شوند، برقرار کرد، ولی پس از پایان جنگ و ارتحال رهبر انقلاب، تغییراتی در آرایش نیروهای سیاسی انجام شد که در این راستا برخی از کارآمدن خاتمی و سپس شکل‌گیری مجلس ششم، دوره جدید فعالیت اصلاح طلبان آغاز شد.

به اعتقاد این طیف، جامعه بیش از آنکه نیازمند تحولات رادیکال باشد، به تسامح و تساهل در حرکت اجتماعی نیاز دارد. جبهه مشارکت که پس از مجلس ششم به حزب حاکم در کشور تبدیل شد، یکی از تشکل‌های تشکیل‌دهنده جناح اصلاح طلب است

این طیف سیاسی باید منتظر ماند و دید سال آینده مردم باز هم به آنها اعتماد خواهند کرد یا عرصه اجرایی کشور را به دست گروه دیگری خواهند سپرد؟ البته اگر شرایط برای رقابت جناح‌ها به صورت مساوی و یکسان فراهم شده باشد.

در طرف مقابل، اصلاح طلبان قرار دارند که تغییر رفتار، ساختار و تحول سیاسی و اقتصادی را نشان رفته‌اند. این گروه ضرورت تحول تدریجی را پذیرفته و از وضع موجود ناراضی هستند و می‌خواهند با اصلاح کژی‌ها و ساختارهای غلط حاکم بر کشور، رفتارها و ساختارهای حقیقی را جایگزین کنند. در این گروه که تعدادی از تشکل‌های سیاسی و اقتصادی با رویکردهای متفاوت دیده می‌شوند، عمدتاً شاهد دو خط فکری مختلف هستیم که یکی به حاکمیت و نه تصدی دولت در امور اقتصادی می‌اندیشد.

تنوع گروه‌های اصلاح طلب بر اساس سوابق تاریخی و سیاسی و نقش دین در سیاست بیشتر از جناح رقیب است. جریان اصلاح طلبی شاید ریشه در

که به قول محمدرضا خاتمی همواره کوشیده پلی بین مردم و حاکمیت باشد و تقابل‌های تاریخی حکومت و جامعه را به روندی سازنده در جهت برآورده کردن مطالبات تاریخی ملت تبدیل کند.

دبیرکل مشارکت در مراسم گشایش کنگره هفتم این حزب گفت: «ما جامعه ایران را آبستن آینده‌ای متفاوت با وضع موجود می‌دانیم که نباید اجازه داد با نگرانی‌های بیش از حد و سکوت و آرامش گورستانی به جایی برسد که محصول آن موجودی ناقص‌الخلقه یا نوزادی مرده باشد. وی افزود: ما بهترین راه سعادت کشور را ادامه اصلاحات تا تحقق کامل دموکراسی می‌دانیم و تلاوم قدرت خود را نیز به رأی ملت وابسته می‌دانیم».

مدیریت کشور و نظام که در طول سال‌های گذشته همواره در دست یکی از این دو جریان بوده، در عین حال با چالش‌ها و جنجال‌های شدید سیاسی نیز روبرو بوده که مردم را نسبت به آنها بدبین و کم اعتماد کرده است. زیرا هیچ یک از این جناح‌ها و احزاب ریشه و پایگاه مردمی نداشته و مردم در شکل‌گیری و بنیان آن‌ها نقش نداشته‌اند.

متأسفانه در سال‌های گذشته بحث عدالت که از محوری‌ترین بحث‌های انقلاب است، آنگونه که شایسته می‌باشد، مورد توجه جناح‌ها قرار نگرفته، به گونه‌ای که وجود تبعیض در سطوح مختلف، مساله عدالت را مخدوش و تحت تأثیر قرار داده است.

حال که چند ماه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است، طیف‌های سیاسی اگر خواهان جلب و جذب آرای مردم هستند، باید به تغییر بنیادین در روش‌ها و سیاست‌های خود دست زده و ضمن بازگرداندن اعتماد از دست

رفته مردم، با فساد اقتصادی و اداری و رانت‌خواری مقابله کنند. در این میان قوه قضاییه نقش تأثیرگذاری در بازگرداندن اعتماد مردم دارد و باید با فساد در دستگاه‌ها و نهادها قاطعانه مقابله کند تا مردم بدانند این برخورد، جناحی و گروهی نیست و شامل تمامی افراد و کسانی می‌شود که به فساد و رانت‌خواری روی آورده‌اند.

مخدوش شدن باورهای مردم نیز نکته دیگری است که باید از سوی جناح‌ها مورد توجه و بازسازی قرار گیرد، زیرا در طول چند سال اخیر بسیاری از این

باورها به طرق مختلف مورد حمله قرار گرفت که نتیجه آن دوری نسل جوان از ارزش‌ها بود، ارزش‌هایی که تبعیض‌ها باعث شدنتشان شده است.

اگر چه وجود اختلاف نظر و سلیقه‌های مختلف در اداره کشور امری طبیعی به نظر می‌آید اما متأسفانه کشمکش دو جناح اصلی حاکم بر کشور از مرز سلیقه و اختلاف عبور کرده، به گونه‌ای که دامنه تنش و درگیری آنها علاوه بر تحمیل هزینه‌های فراوان بر بیت‌المال، امنیت ملی و منافع عمومی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

با توجه به مواضع فکری طیف‌های سیاسی در جامعه، آرایش سیاسی متمرکزی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری به چشم نمی‌خورد. اگرچه تا زمان برگزاری این انتخابات تحولات و تغییرات نسبتاً زیادی در عرصه مدیریتی و سیاسی کشور رخ خواهد داد، اما در حال حاضر فقط جناح محافظه‌کار به دلیل

انسجام ظاهری و وحدت درون گروهی، قدرت بازسازی و تأثیرگذاری بر معادلات قدرت را داراست

### جناح محافظه‌کار با تحولات جدید جهان بیگانه است

و شاید بتواند با همیاری نهادهایی مانند شورای نگهبان آخرین سنگر قدرت را در عرصه اجرایی نیز از آن خود کند، اما مسلماً گروه کثیری از مردم به دلیل استفاده غیراخلاقی این جناح از قدرت برای از میدان خارج کردن رقیب، روی چندان خوشی به محافظه‌کاران نشان ندهند.

اما در طرف مقابل محافظه‌کاران یعنی جناح اصلاح طلب که با وجود در اختیار داشتن قوای مجریه و مقننه در طول چند سال گذشته نتوانست از این پشتوانه عظیم به درستی استفاده کند، مدتی است که

تلاش وسیعی را برای حضور در صحنه انتخابات آینده آغاز کرده، اما به دلیل فقدان وحدت و هماهنگی در بین گروه‌های تشکیل دهنده موسوم به جبهه دوم خرداد و نیز اختلاف فکری و سیاسی آنها، آینده چندان مناسبی پیش رو ندارد. در کنار اختلاف سلیقه‌ها که در نشست اخیر مشارکت شاهد آن بودیم باید به دیدگاه منفی شورای نگهبان به این جناح اشاره کرد. جبهه مشارکت که از مهم‌ترین اعضای تشکیل دهنده جناح اصلاح طلب است، در کنگره هفتم خود به بررسی سیاست‌های آینده این حزب با نگاهی به انتخابات سال ۸۴ پرداخت، اما به رغم اینکه



یکی از علل اصلی موفق نبودن آنها در ورود به مجلس هفتم، تنوعی برخی از اعضای این حزب و ایفای نقش اپوزیسیون بود، با این وجود به نظر می‌رسد با توجه به سخنان تند و انتقادآمیز محمدرضا خاتمی در مراسم گشایش کنگره هفتم، هنوز عقلانیت گم‌شده آنها پیدا نشده، زیرا برخی از آنها کماکان راه پیشبرد اهداف خود را ایستادن در مقابل حکومت می‌دانند.

علاوه بر این اصلاح‌طلبان به رغم آنکه می‌دانند وضعیت خوبی ندارند و باید به گونه‌ای خود را در حکومت نگه دارند، متأسفانه هیچ برنامه روشن و اصلاح‌گرایانه‌ای را مطرح نکرده‌اند، بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد اگر شرایط مقصدی تغییر کند، پس از پایان دوران ریاست جمهوری خاتمی، در جبهه مشارکت انشعاب رخ دهد. زمزمه‌های این انشعاب را حتی در دوران مجلس ششم، کروی و برخی احزاب و گروه‌های عضو این جبهه سر داده بودند.

شرط موفقیت اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری در مرحله اول پذیرش اشتباهات گذشته و تغییر و تجدیدنظر در بافت مدیریتی زیرمجموعه آنها به خصوص در حزب مشارکت است. تغییر دبیرکل مشارکت می تواند مرحله دیگری برای اثبات پیام خود به مردم درباره اعمال روش های جدید در اداره حزب باشد.

اگر در کنگره هفتم، دبیرکل تمویض می شد، می توانست نشانگر یک پیام روشن به حکومت باشد، که شامل اعمال روش های جدید می شد اما اصرار بر ابقای دبیرکل، هیچ پیامی جز ادامه روش های گذشته

اصلاح طلب قصد در اختیار گرفتن کرسی ریاست جمهوری را داشته باشند باید به چند نکته اصلی توجه کنند. این جناح نباید به اپوزیسیونی تبدیل شود که تنها راه نجات خود را زیر و رو کردن حکومت و به هم ریختن بنیادهای قانونی نظام بداند و نه مانند اصلاح طلبان محافظه کار به بازی پشت پرده روی بیاورد تا بالاخره امتیازی از حریف بگیرد و در گردونه

قدرت باقی بماند نظیر بازی کربوبی در انتخابات مجلس. برای این جناح نباید هدف، ماندن در

حکومت باشد، بلکه هدف اصلی باید به پیش بردن اصلاحات باشد که در جهت نیل به آن همه ظرفیت های جامعه بکار گرفته شود تا روند دموکراسی، مسالمت آمیز و کم هزینه به پیش رود و استمرار یابد.

بی شک حاکمیت دموکراسی بهترین نوع حکمرانی در دوران کنونی است، اما در شرایطی که

یکدستی حکومت به حاکمیت غیراقتدارگرا و عقب ماندگی کشور منجر خواهد شد، باید برای دوران

## دوره جدید فعالیت اصلاح طلبان پس از دوم خرداد آغاز شد

گذار، کارآمد و شفاف کردن وضع موجود مورد توجه قرار گیرد. هرج و مرج و تنش برای کشور حکم سم را دارد. همانگونه که انزوا و گوشه گیری، خیانت به مردم تلقی می شود، فعالیت سیاسی و مسالمت آمیز بدون زد و بندهای پشت پرده می تواند یک راه مفید برای خروج از بن بست باشد.

مردم سال آینده در شرایطی پای صندوق های رای خواهند رفت که عملکرد دو جناح سیاسی کشور را به درستی پیش روی دارند و نیک می دانند آزموده

را آزمودن خطا است، با این وجود آرمان آنها آزادی، عدالت و رفاه است. این آرمان حتی مربوط به این نسل نیست، بلکه آرزوی جاودانه و همیشگی

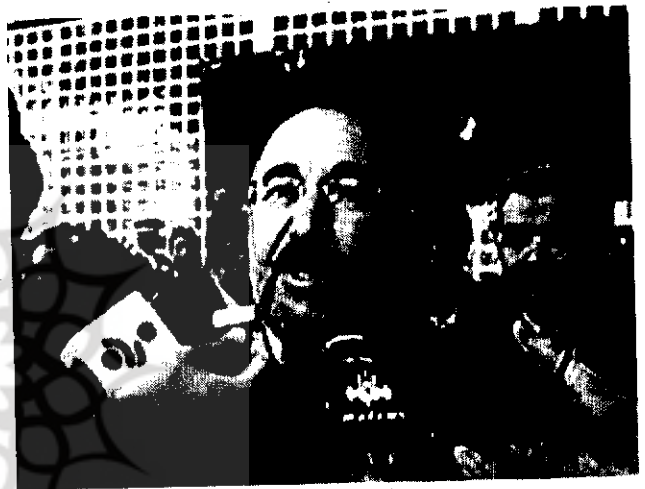
## تنش و درگیری به منزله سم برای کشور است

انسان هاست. بدون دموکراسی، عدالت و رفاه تحقق نمی یابد. حال اگر نتوان انتخاباتی آزاد و با شکوه برگزار کرد، نتوان تبعیض و فساد اقتصادی و رانت خواری را از میان برداشت و نتوان به مطالبات به حق مردم پاسخ مناسب داد لذا در این شرایط نمی توان کارآمدی بیشتری را مورد توجه قرار داد. در این صورت دیگر این ادعا هم پذیرفته نخواهد شد که اصلاحات تنها به خاطر شیوه های اتخاذ شده شکست خورده، بلکه در چارچوب موجود، اصولاً اصلاح پذیری نظام سیاسی ممکن نیست.

مردم دیگر فریب شعارهای تبلیغاتی چپ و راست را نمی خورند و تنها نکته مهم برای آنها، کارکردن و رفع تبعیض ها و مهار تورم و گرانی خواهد بود. حال هر گروهی که قادر به پیاده کردن این شعارهای محوری باشند، می توانند آرای مردم را جذب کنند. نکته مهم دیگری که باید در بخش پایانی این گفتار به آن اشاره کرد، این است که کسانی که در سایه مشارکت نکردن مردم در انتخابات یا رد صلاحیت رقیبان خود تصور می کنند به پیروزی دست می یابند، باید در صدد تغییر روش های حذفی خود برآیند، زیرا امکان یکپارچگی و کارآمدی حکومت جز به

شیوه های دموکراتیک میسر نیست.

فراموش نکنیم ارائه چهره ای انسانی و اخلاقی از انقلاب، تدوین برنامه های منطقی برای حل مشکلات مردم، مبارزه با فقر و رانت خواری برخی مسؤولان، از بین بردن تبعیض، توزیع عادلانه ثروت و برکناری دست اندرکاران متخلف از اولین مطالبات مردم است و هر جناحی که بتواند به این نیازها پاسخ دهد و به آن عمل کند، مورد توجه افکار عمومی قرار می گیرد، حتی اگر یک جریان سوم باشد.



ندارد، همانگونه که از آمار برمی آید، محبوبیت محمدرضا خاتمی در بین اعضای مشارکت کاهش یافته، به گونه ای که در کنگره هفتم تعداد واجدین رای دادن حدود ۲۵۰ نفر بود، اما فقط ۱۶۳ نفر به محمدرضا خاتمی رای دادند، یعنی حدود ۶۳ درصد واجدین شرایط.

با این توصیف به نظر می رسد جبهه مشارکت نتوانسته مشکل خود را حل کند. دبیرکل این حزب مانند گذشته آرای قاطعی به دست نیاورده و بیشتر اعضای شهرستانی نیز مخالف سیاست های ستادی هستند. این مشکلات در حال حاضر وضعیت این حزب را با بحرانی مواجه کرده که مسؤولان آن می گویند اگر شرایط برای حضور ما در انتخابات مهیا نباشد، به سمت تحریم پیش خواهیم رفت.

با توجه به مشکلات فراوری این حزب اگر مشارکت یا سایر گروه های تشکیل دهنده جناح